



از روشنایی جنوب تاسایه سکوت

نگاهی به کارنامه ادبی ناصر تقوایی و تأثیر ادبیات بر سینمای او

یاد

راضیه خوئینی

گروه کتاب

ناصر تقوایی، فیلمساز، نویسنده و عکاس نامدار، در حالی چشم از جهان فروبست که آثار و اندیشه‌اش همچنان در قلب فرهنگ و هنر ایران می‌تپد. او زاده ۲۱ تیر ۱۳۲۰ در آبادان بود؛ شهری که صدای زوزه باد، بوی نفت و شور دریا در آن با رویای تصویر و کلام تقوایی درهم‌آمیخت تا آثاری ماندگار برای ادبیات و سینمای کشور بر جای بگذارد. هنرمندی که در کنار بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی، امیر نادری و مسعود کیمیایی از پایه‌گذاران «موج نوی سینمای ایران» شناخته می‌شود.

تقوایی بیش از شش دهه در سینما، تلویزیون و ادبیات فعال بود؛ اما حاصل این حضور طولانی مدت ۶ فیلم بلند سینمایی بود، آثاری کم و ژرف‌نگر و کارنامه ادبی کم‌ورق اما ارزشمند. هر اثر او همچون سنگی گران‌مایه در بنای فرهنگ تصویری ایران جای دارد؛ از مستند «باد چن» تا «آرشا و خنجر» دیگران»، از «دایی جان ناپلئون» تا «ناخدا خورشید» و از «صادق کرده» تا کمدی پرنشاط «ای ایران». هر چه او ساخته اثری ارزشمند به مجموعه آثار هنری و فرهنگی ایران افزوده است، حتی اگر برخی منتقدان کم‌لطف بعضی از آثارش مانند کمدی «ای ایران» را چندان موفق ندانند.

از ادبیات به سینما

تقوایی از دل فرهنگ پویای آبادان در دهه ۱۳۴۰ بالید؛ دهه‌ای که خوزستان با فشارهای سیاسی فراوانی روبه‌رو بود. اگر تا پیش از آن آبادان با نفت و نفتال شناخته می‌شد، در آن دهه فرهنگ و ادبیات نیز به این خطه گره خورد. او

درخشش در اوج سکوت

جایگاه ناصر تقوایی در سینمای ایران نه‌فقط به‌خاطر آثار درخشاش، بلکه به‌دلیل نگاهی منحصربه‌فرد به فرم، روایت و میزانشن است. او به‌جای نمایش، به «بیان» می‌اندیشید؛ به معماری تصویر و سکوت. در کتاب «سینمای ناصر تقوایی» نوشته سعید عقیقی و رضا غیاث، «ناخدا خورشید» و «کاغذ بی‌خط» بررسی شده و نشان داده می‌شود چگونه در هر فیلم، نسبت انسان و جامعه به زمانی تازه بازگو شده است. او سال‌های زیادی را در سکوت گذراند؛ سکونی پراز معنا، نه به‌دلیل انزوا، بلکه از وسواس در حفظ شأن هنر. این اثر نه تنها به تحلیل فیلم‌های تقوایی می‌پردازد، بلکه به کنکاش در دلایل عدم ساخت فیلم‌های جدید توسط او نیز توجه دارد.

به گفته عقیقی، ستایش ناصر تقوایی تنها با تحسین آثارش ممکن نیست. نقد و بازخوانی مداوم کارنامه‌اش، ادای حقی است که در سال‌های کم‌کاری‌اش از او دریغ شد. از «آرامش در حضور دیگران» تا «کاغذ بی‌خط»، از تخی و فلسفه «صادق کرده» تا طنز پرشور «ای ایران»، از جهان تمثیلی «نفرین» تا واقع‌گرایی شاعرانه «ناخدا خورشید»؛ این همه تنوع و غنا در کارنامه یک فیلم‌ساز ایرانی شاید دیگر هرگز یافت نشود.

می‌نویسند: «مسأله اساسی نبردآختن به دستاوردهای عظیم او در سینما طی قریب به شش دهه کار هنری‌ست. این کتاب با چنین هدفی نوشته شده است؛

● نویسدگان: سعید عقیقی و رضا غیاث

● انتشارات: گیلگمش

● تعداد صفحات: ۳۷۷ صفحه

● قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان

سعید عقیقی و رضا غیاث از پس سال‌ها پژوهش و مذاقه در آثار فیلمساز بزرگ ما، این مهم را در نظر گرفته‌اند که اعتبار بی‌چون و چرای تقوایی در چیزی جز آثارش ریشه ندارد.»

در این کتاب، فصل‌هایی به بررسی فیلم‌هایی همچون «ناخدا خورشید» و «کاغذ بی‌خط» اختصاص داده شده است که هر یک با نگاهی دقیق به تحلیل داستان و ساختار هنری آنها می‌پردازد. در بخشی از این کتاب آمده است: «ناصر تقوایی را کج‌فهمی خیل عظیم شبه‌منتقدان وطنی در کنار جو بیمار سرمایه‌داری فرهنگی این ملک، از کار کردن و فیلم ساختن دور نگه داشته و کتاب پیش رو به قصد برکشیدن و شناساندن او و سینمایش نوشته شده است؛ سینمایی که اگر فقط

یک «ناخدا خورشید» را برای ما خلق کرده بود، باید تا ابد ایستاده برایش دست می‌زدیم و ستایش می‌کردیم.»

اکنون که نام او با آندوه تکرار می‌شود، شاید بهترین نكوداشت، باززمانی آثارش و زنده نگه داشتن یادش از طریق گفت‌وگویی تازه با تاریخ سینمای ایران باشد. آن چنان که خود گفته بود: «سینما برای من نه یک امر صنعتی، بلکه تکرار خود زندگی است؛ هیچ هنری به اندازه سینما به زندگی واقعی شبیه نیست. حتی داستان‌های تخیلی به شیوه زندگی واقعی تعریف می‌شوند و شما آنها را باور می‌کنید. وای به حال فیلمی که تماشاگران را باور نکند. گاهی فیلم‌های خوبی می‌بینم که از زندگی قلابی ما زندگی‌تر هستند.»

کم کار اما نوجو

کتاب «به روایت ناصر تقوایی»، که احمد طالبی‌نژاد آن را گردآوری کرده، منتخبی از گفت‌وگوهای او با ناصر تقوایی است. این کتاب به وضوح نشان می‌دهد تقوایی چگونه از دامن پرمهروخشن جنوب ایران رشد کرده و شخصیت هنری‌اش در شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است. در این اثر، تقوایی به تحولات سینما و ادبیات معاصر ایران پرداخته و دیدگاه‌هایش را درباره مسائل کلیدی سینما به اشتراک گذاشته است. در بخشی از این کتاب، تقوایی در پاسخ به سؤالی درباره فیلم «آرامش در حضور دیگران» می‌گوید: «من در آن زمان با تلویزیون همکاری می‌کردم اما فیلم محصول تلویزیون نبود. ما گروه کوچکی بودیم که یک تعاونی تولید فیلم تأسیس کردیم. هر کدام مبلغ اندکی سرمایه گذاشتیم که پس از یک سال شد سی و چند هزار تومان. من هم تقاضای یک فصل مرخصی بدون حقوق به تلویزیون دادم. اما مخالفت شد. رفتم پیش قطبی، گفت به چه منظور مرخصی سه‌ماهه می‌خواهی؟ گفتیم می‌خواهم فیلم بسازم و امکانات ما هم این است. گفت ما هم شریک می‌شویم.» این نوع از نگاه و تفکر در آثار او به وضوح نمایان است؛ او همواره به دنبال ایجاد آثاری است که نمایانگر واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی مردم باشد. در انتهای کتاب «به روایت ناصر تقوایی»، به اهمیت آشنایی نسل جوان با دیدگاه‌های او اشاره شده و گفته می‌شود: «ناصر تقوایی حق بزرگی به گردن سینمای نوپای ایران دارد و آشنایی نسل جوان با دیدگاه‌های وی، در غنابخشیدن به دانش و بینش آنان، کمک‌رسان خواهد بود.»

تقوایی به گواهی کارنامه‌اش، هنرمندی ظاهرآ کم‌کار اما نوجو، خلاق و تأثیرگذار بوده است.

● نویسنده: احمد طالبی‌نژاد

● انتشارات: چشمه

● تعداد صفحات: ۲۱۲ صفحه

● قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

است تا از صدای ناله‌های غواص جوانی که در چنبره طناب نشسته و در حال ناله است، فاصله بگیرد. گفت‌وگوهای بین شخصیت‌ها، بویژه بین پسرک و غواص‌ها، عمق داستان را بیشتر می‌کند. در این دیالوگ‌ها، تقوایی به خوبی احساسات و نگرانی‌های پسرک را به مخاطب منتقل می‌کند.

آثار اقتباسی

تقوایی سینما را با فیلم مستند آغاز کرد، که خود نشانه‌ای از تعهد اجتماعی و نگاه تحلیل‌گر اوست. از همان ابتدای کارش در سینما، به کاوش در زندگی واقعی مردم و توجه به ریشه‌ها و جزئیات علاقه‌مند بود. این ویژگی بعدها در تمامی فیلم‌هایش به اوج رسید. در سال ۱۳۴۸، ناصر تقوایی همراه با داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی سه آغازگر اصلی «موج نوی سینمای ایران» بودند. هر سه برآمده‌از نگاهی تازه به جامعه و ادبیات بودند؛ اما تقوایی شاید در این عرصه روشنفکرانه‌تر گام برداشت. الهام گرفتن از ادبیات سرلوحه کارش بود و توانست اقتباس را به زبان شخصی خود بدل کند. فیلم «آرامش در حضور دیگران» اولین فیلم بلندنی بود که تقوایی بر اساس مجموعه داستان‌های کوتاه «واهمه‌های بی‌نام‌ونشان» نوشته غلامحسین ساعدی ساخت. اثری که تصویری عبوس و تلخ از فروپاشی انسان در نظامی بسته بود که از سال ۱۳۴۹ به مدت ۴ سال توقیف شد. فیلم «آرامش در حضور دیگران» در واقع ماجرای سرهنگ بازنشسته‌ای است که پس از فوت همسرش با معلم جوانی به نام منیره ازدواج و در شهرستان زندگی می‌کند، مرغذاری‌اش را می‌فروشد و به پایتخت بازمی‌گردد تا در کنار دخترانش ملیحه و مه‌لقا زندگی کند. اما متوجه می‌شود که زندگی متفاوتی از تصور او دارند. آهسته، آهسته، پدرشان پنهان نگه دارد. درنهایت پدر با دیدن وضعیت دخترها آزرده خاطر شده و پیش از پیش به الکل پناه می‌برد. ماجراهای ملیحه، دختر بزرگ‌تر و مه‌لقا، سرهنگ را به جنون می‌کشاند و منیره و او را آسایشگاهی روانی بستری می‌کند.

موفقیت مجموعه تلویزیونی «دایی جان ناپلئون» در دهه ۱۳۵۰، تقوایی را به محبوبیتی ملی رساند. اقتباس درخشان او از زمان ایرج پزشک‌زاد، تنها یک کمدی محبوبیتی ملی رساند. اقتباس درخشان او از زمان ایرج پزشک‌زاد، تنها یک کمدی اجتماعی نبود؛ بلکه تصویری از جامعه ایرانی در بزنگاه تاریخ بود. این سریال به بخشی از حافظه جمعی مردم ایران بدل شد؛ اثری که هنوز پس از نیم قرن، طراوت و هوشمندی خود را حفظ کرده است. اما نقطه اوج کارنامه تقوایی فیلم «ناخدا خورشید» است؛ اقتباسی آزاد از رمان «داشتن و نداشتن» ژانست همینگوی که در فضای جنوب ایران باآفرینی شد. این فیلم در سال ۱۹۸۸ برنده پلنگ برنزی جشنواره لوکارنو شد. تقوایی در «ناخدا خورشید» به نهایت پختگی هنری خود رسید و در تبدیل ادبیات به تصویر، در پس‌زمینه این و روایت، خوش درخشید. او جنوب را نه فقط یک جغرافیا و اقلیم که شخصیتی زنده نامایش داد؛ ریبرا، باد، شرچی و مردمانی که در دل فقر با غرور زیست می‌کنند.

نگاهی به داستان «چاه»

داستان «چاه» نیز یکی از آثار برجسته و تأثیرگذار این نویسنده و کارگردان است که به زیبایی فضای زندگی کارگران و غواصان در لنج‌های مناطق نفت‌خیز جنوب را به تصویر می‌کشد و با نگاهی عمیق به احساسات انسانی، رنج و درد این قشرزحمتکش می‌پردازد.

داستان با توصیف صحنه‌ای آغاز می‌شود که موتورچی، پنج غواص و شش جاشو‌دور سفره‌ای گرد نشسته و به خوردن غذا مشغول‌اند. در این میان، پسری که در پس‌زمینه این صحنه قرار دارد، خود را در دنیایی از تنهایی و بی‌اشتهایی غرق کرده است. تقوایی با قلمی روان و تصویرسازی‌های دقیق، احساسات این پسرک را به خوبی به مخاطب منتقل می‌کند. او در تلاش

یاد

ناصر تقوایی

از دل فرهنگ

پویای آبادان

در دهه ۱۳۴۰

بالید؛ دهه‌ای

که خوزستان

با فشارهای

سیاسی فراوانی

روبه‌رو بود. اگر

تا پیش از آن

آبادان با نفت و

فوتبال شناخته

می‌شد، در آن

دهه فرهنگ و

ادبیات نیز به

این خطه گره

خورد

میرزای ناصر

مجموعه سه جلدی **کوچک جنگلی** فیلمنامه ناصر تقوایی

برای سریالی بود که او ساخت

ناصر تقوایی، نویسنده، فیلمساز و عکاسی که از پیشگامان موج نو سینمای ایران بود، در دومین سالگرد قتل داریوش مهرجویی (دیگر چهره شاخص موج نو) درگذشت. سریال به سرانجام‌نرسیده «کوچک جنگلی» یکی از پرچاسپه‌ترین پروژه‌های تقوایی بود که درباره

چربایی به سرانجام نرسیدن آن روایت‌های متفاوتی وجود دارد. چهار دهه پس از آنکه این سریال را ربه‌رو افخمی ساخت، تقوایی فیلمنامه‌ای که برای سریال نوشته بود در مجموعه‌ای سه جلدی منتشر کرد. نوشتن فیلمنامه ۱۵ قسمتی «کوچک جنگلی» بیش از یک‌سال وقت ناصر تقوایی را گرفت و پیش تولید آن دو سال زمان برد، اما ناصر تقوایی بعد از ۳ سال کوشش در سال ۱۳۶۱ از کارگردانی و تولید سریال حذف شد و این متن هرگز به تصویر نرسید. مجموعه سه جلدی «کوچک جنگلی» همان فیلمنامه نوشته شده تقوایی است که تابستان ۱۴۰۱ توسط انتشارات مس منتشر شد.

مهرداد دبلی

روزنامه‌نگار

حمید دباشی، استاد ایرانی ادبیات تطبیقی و مطالعات ایرانی دانشگاه کلمبیا در مقدمه‌ای که برای مجموعه «کوچک جنگلی» نوشته درباره پس‌زمینه اجتماعی و بستر فرهنگی و ادبی تقوایی می‌نویسد: «تقوایی کودک شهرویر ۱۳۲۰ اشغال ایران و نوجوان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. اما او برکناره تاریخ سیاسی ما رفت؛ دلش گرم قصه‌های ماندنی‌تری بود. آشنایی‌اش با صدف تری‌زاده‌ی او را با جادوی کلام همینگوی و فالکنر مآلوف کرد. شعور خلاق تصویری‌اش بین شعر سیال و نثر شاعرانه و تجربه‌های بکر سینمایی گلستان شکل گرفت و با الهتاپ شعر ناب فروغ فرخ‌زاد آشنا شد…»

غربی‌ی نثر بیگانه همینگوی را نه بومی که در فارسی چهانی می‌کند. نه تکبر بی‌دلیل گلستان را دارد و نه مطلوبیت بی‌بدیل فروغ را. آفتاب تند جنوب و رو به دریایی خلیج فارس استحکام رای و فراخی اندیشه دیگری به تقوایی داد… تقوایی خاطر پرمخاطره دریایی ما بود… دل پرنهییبی داشت، بی‌محای تهرانیان. آل احمد سلطان نثر معارضش درباره نیما نوشت؛ بیرمرد چشم ما بود. تقوایی هم چشم بیای نسل ما شد. حمید دباشی معتقد است برای درک محور سیاسی «کوچک جنگلی» تقوایی باید به «تابستان همان سال» او بازگشت؛ مجموعه هشت قصه کوتاه بر محور کارگران اسکله‌های جنوب در بحبوحه کودتای ۲۸ مرداد. به نظر دباشی حال و هوای «مردان بدون زنان» همینگوی بر این قصه‌های تاب تقوایی جاری است.

بازگشت تبعیدی

ناصر تقوایی در آغاز فیلمنامه «کوچک جنگلی» می‌نویسد: «داستان ما را از روزی آغاز می‌شود که خبر شکست قوای انگلیس و پیروزی قشون مسلمان عثمانی در جنگ بغداد به تهران رسیده است… شور و هیجان تمام با اضطراب تهران را فراگرفته، میرزا در عبور خود از کوچه و بازار به گروه‌های مردمی بپی‌خورد که همه از این واقعه صحبت می‌کنند. او در نقاط مختلف به دیدن دوستان مبارز قدیم می‌رود و با هیجان می‌گوید آنها را بار دیگر به مبارزه علیه اجانب برانگیزد. محتوای گفته‌های او اینست که: جنگ و درگیری دولت‌ها در اروپا و شکست انگلیس در بغداد، به ایرانیان فرصت می‌دهد که سرزمین خود را از نفوذ روس و انگلیس برهانند. به گمان بار اکنون زمان مناسب برای افرایشن علم استقلال و اخراج بیگانگان فرا رسیده و به‌عهده وطن‌دوستان و روحانیون مبارز است که در روشنگری مردم و بسیج آنها بکوشند، همچنان که در جنبش مشروطه‌خواهی مردم را برانگیزخته بودند…» میرزا به سراغ دوستان روحانی خود در هیأت اتحاد اسکند می‌رود و پس از آگاهی از نیت آنها برای بسیج مردم در ایام محرم، تصمیم می‌گیرد برای توسعه [قیام] به گیلان، رزاده خود برود. میرزا که در جنبش مشروطه سوابق درخشان مبارزه و سپاهی‌گری دارد، چند سالی است که به حکم قفسول روسیه تزاری از زادگاه خود به تهران تبعید شده است و این بازگشت برای او بدون مخاطره نیست.»

آچه «کوچک جنگلی» را از فیلمنامه‌های مرسوم متمایز می‌کند، نگاه ادبی تقوایی است. او تاریخ را نه به‌صورت خشک و صرفاً وقایع‌نگارانه، بلکه به‌مثابه داستانی گیرا روایت می‌کند. شخصیت‌های فیلمنامه، از میرزا تا یاران و دشمنانش، با عمق و طرافت ترسیم شده‌اند. خواندن «کوچک جنگلی» سفری است به دل جنگل‌های گیلان؛ جایی که صدای پای میرزا کوچک‌خان هنوز در میان برگ‌ها شنیده می‌شود. خواننده صداهای جنگل، بوی باران، و اضطراب جنگلی‌ها را در میان صفحات حس می‌کند. عبور حسین کسمایی و میرزا کوچک از پل چمارسرا را پس از دریافت عقوبنامه برای میرزا از کنسول روس، این گونه توصیف می‌کند: «کالسکه از کنار چند روستا می‌گذرد، چراغ‌های شهر و سایه خانه‌ها در متن آسمان در پیش‌رو دیده می‌شود، دست میرزا آهسته از کالسکه به بیرون دراز می‌شود، مشت بسته را باز می‌کند، ریزه‌های کاغذ مثل صدها پروانه در غبار پشت کالسکه در هوا چرخ می‌خورند.»

توصیفات تقوایی از طبیعت گیلان، از مه غلیظ گرفته تا صدای کلاغ‌ها، چنان زنده است که گویی خود خواننده در میان جنگل ایستاده است: «در ریزش بارانی تند و دلهلهه مردمی که دو‌سوی راه به تماشا ایستاده‌اند: میرزا و حاج احمد کسمایی دوش به دوش هم سواره می‌آیند، در پی آن دو، دکتر حشمت و پس از آنها گروهی از سواران کسمائی…» دیالوگ‌ها، که گاه رنگ و بوی گویش محلی دارند، به شخصیت‌ها جان می‌بخشند و حس همدلی را در مخاطب برمی‌انگیزند. «کوچک جنگلی» دعوتی است به بازخوانی تاریخ از زاویه‌ای تازه. تقوایی با این اثر نشان می‌دهد چگونه یک هنرمند می‌تواند گذشته را زنده کند و به آن معنایی نو ببخشد.